خبر

شبکه مستند و یادی از قلندر موسیقی ایران

مستند «تار هم دیگر لطفی ندارد» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدعلی بهبهانی پرتره محمدرضا لطفی ردیف‌دان، موسیقیدان، آهنگساز، نوازنده برجسته تار و سه‌تار و همچنین پژوهشگر و مدرس موسیقی سنتی ایرانی امروز ساعت ۹ از شبکه مستند پخش می‌شود. این مستند با استفاده از تصاویر آرشیوی کمتردیده‌شده و در گفت‌وگو با چهره‌های نام‌آشنای موسیقی و هنر ایران همچون مجید کیانی، حسین علیزاده، صدیق تعریف، ارشد تهماسبی، اردشیر کامکار و قشنگ کامکار و ... به بررسی زندگی و آثار استاد فقید محمدرضا لطفی پرداخته است.

در مستند تار هم دیگر لطفی ندارد کارنامه حرفه‌ای قلندر موسیقی ایران از ابتدای تاسیس گروه شیدا تا بعد از انقلاب مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. محمدرضا لطفی با خلق آثاری چون ایران ای سرای امید، کاروان شهید، برادر بی‌قراره و عشق داند به میان توده مردم راه یافت.

لطفی، بنیان‌گذار کانون فرهنگی و هنری چاووش، گروه شیدا و مکتبخانه میرزاعبدا... بود و هنرمندان بسیاری ازجمله مجید درخشانی، صدیق تعریف، حمید متبسم و حسین بهروزی‌نیا را تربیت کرد. این مستند تولید شبکه مستند است و بهروز رضوی گویندگی و وهاب‌الدین محمدی تدوین آن را به عهده دارد. رضا مهدوی نیز به‌عنوان کارشناس و نویسنده برنامه در این پروژه حضور داشته است.

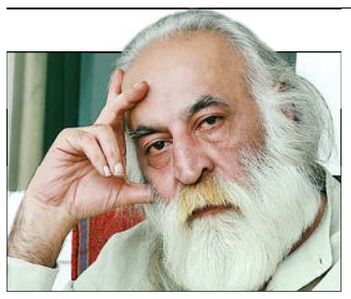

عوامل سریال «تب‌وتاب»

ه در قاب تلویزیون

داشتیم تا از چالش‌های این کار تازه تلویزیونی او بپرسیم.

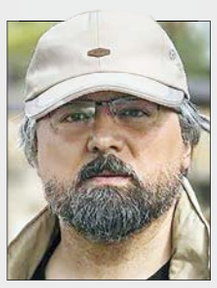

داریوش مختاری، نویسنده و کارگردان سریال تب‌وتاب در خصوص ورودش به دنیای کارگردانی به جام‌جم می‌گوید: من به طور کلی تحصیلاتم در زمینه کارگردانی بوده و سال‌هایی که در تئاتر فعال بودم هم موقعیت شغلی‌ام در حوزه کارگردانی بود. همان موقع هم دسترسی زیادی به منابع نداشتیم و آنطور که الان فیلمنامه‌ها و متون ترجمه در اختیار است، نبود. به طور کلی در آن زمان هم دغدغه نوشتن توام با رشته تحصیلی‌ام یعنی کارگردانی را داشتم. شاید باید بگویم طعم نوشتن زیر زبانم مزه کرد که در آن بیشتر فعالیت داشتم چون همراه با توفیقاتی بود و کارها دیده می‌شد. بعد از دانشگاه خود به خود به فضای فیلمنامه متمایل شدم و بیشتر درخواست‌ها هم برای کار در این حوزه بود. البته مشکلی هم با این نداشتم که با عنوان فیلمنامه‌نویس تعریف شوم. به ویژه این‌که همیشه گفته می‌شد نواقصی در این حوزه وجود دارد و دوست داشتم کمکی کنم تا کارهای بهتری شکل گیرد. اما همیشه دغدغه کارگردانی داشتم.

تلویزیون رسانه پرقدرتی است

وی ادامه می‌دهد: گاهی متونی که می‌نوشتم و در کانال‌های دیگر به تولید می‌رسید، به طور عمده رضایت‌بخش نبود. گاهی تک جرقه‌هایی مثل «طبل بزرگ زیر پای چپ» اتفاق افتاد که با توفیقاتی همراه شد. با این حال دوست داشتم قدم‌های جدی حتی در سینما بردارم اما به واسطه این‌که سینما با بازگشت سرمایه و دغدغه‌های این شکلی همراه است، نوع پیشنهادهایی که مطرح می‌شد، به گونه‌ای نبود که رضایت‌بخش باشد. به همین خاطر ترجیحم این بود که کارگردانی را از جایی مناسب شروع کنم و چه جایی بهتر از رسانه. من معتقدم تلویزیون همچنان رسانه پرقدرتی به لحاظ گستردگی و اثرگذاری است. من سال‌ها ناظر کیفی سازمان صداوسیما بودم و فیلم بلند هم ساخته‌ام. سریال تب‌وتاب فرصتی برای ورود جدی‌تر من به کارگردانی بود. البته ابتدای کار با ذهنیت این‌که فیلمنامه را بنویسم وارد همکاری شدم.

وی در خصوص حال و هوای کارگردانی این سریال، تصریح می‌کند: من همیشه در فضای کارگردانی بودم. نویسندگی و کارگردانی هر کدام چالش‌های خاص خود را دارد. گرچه شاید به لحاظ فیزیکی این‌طور به نظر برسد که نویسندگی کار ساده‌تری است اما برای من این‌طور نبود. همان‌طور که به لحاظ جسمانی برای کار اجرا باید روی فرم بود، برای کار نوشتن هم همین‌طور است. باید خودت را همیشه در فرم و آمادگی قرار دهی که تفکرت هم در همان راستا باشد. هر دو چالش‌های خوبی هستند. تجربه کارگردانی برای من، تجربه مفرح‌تری بود. چون تنوع بیشتری برایم داشت و عزلت‌نشینی نوشتن را نداشت. من همیشه تعبیری دارم و می‌گویم آثار واقعی نسبت به آثار منطقی، اصیل‌تر هستند. یعنی اثر رئال که بر اساس مختصات واقعی است، کار دشواری است چون همزمان قابل مقایسه با عالم واقع است. من با این دیدگاه دنبال یک داستان خیلی واقعی بودم؛ یک موقعیت کاملا آشنا که زاویه متفاوتی را نسبت به آن باز کنم. چه بهتر این‌که چنین کاری، در قالب خانواده ایرانی طرح شود که عقبه جغرافیایی و مذهبی مشخص خود را دارد.

به سمت بازخوانی روابط خانوادگی رفتیم

مختاری عنوان می‌کند: ما شاهد هستیم که روایت‌های مبتنی بر مناسبت‌های آپارتمانی، از فرط تکرار به یک آسیب تبدیل می‌شود. من تلاش کردم نگاه اجتماعی را بر این مناسبات تقویت کنم و فضای بیرون از خانه نقش عمده‌ای در آن چیزی داشته‌باشد که در درون خانواده به عنوان رکن اصلی اجتماع شکل می‌گیرد. اگر بتوانید کانون خانواده را زیر ذره‌بین برده و آسیب‌شناسی کنید، همین اندازه تبعات مثبتش را در مناسبات اجتماعی خواهیم دید. بر همین اساس می‌گویم که سریال تب‌وتاب یک اثر آپارتمانی نیست و می‌توان گفت فضاهای عام و سنگین‌تر هم در روایت ما وجود دارد. وی در بیان ویژگی نقش‌های این سریال تصریح می‌کند: ما در این سریال، در کنار مفهوم خانواده گسترده، سراغ مفهوم خانواده تراز رفتیم. آنچه ما دنبالش هستیم و می‌خواهیم به مخاطب توصیه کنیم، هر دوی این موضوعات است. پرداختن به سبک زندگی اسلامی ایرانی یک توصیه عام و به موقع بوده‌است. اما در سال‌های اخیر یک نگاه گلخانه‌ای و تزیینی به مقوله خانواده ایرانی شده و در برخی مناسبات ظاهری خلاصه شده‌است. مثل کلیشه تختی چوبی گوشه حیاط و سماور کنار آن که در بسیاری از کارها تکرار و به آسیب تبدیل شده‌بود. البته که کارهای شاخص و خوبی هم با این ویژگی داشتیم. با این حال، من احساس کردم نوک پیکان نقد و توجه را باید به سمت بازخوانی روابطی ببریم که در خانواده تراز باید رخ دهد. چون در زندگی واقعی می‌بینیم که خانواده‌های ایرانی ما که معیارهای تراز را دارند، باز هم فارغ از آسیب نیستند. تب‌وتاب در این زمینه یک اثر نقادانه محسوب می‌شود که تلاش کرده خانواده تراز ایرانی را ضمن بازخوانی، قدری زیر ذره‌بین ببرد و آیینه‌ای شود مقابل خانواده‌های ایرانی تا بدانند کجاهاست که آسیب واردشان می‌شود. چون ما تکلیف‌مان با خانواده‌های در معرض آسیب مشخص است. اتفاقا خانواده‌های تراز هستند که باید الگوی این خانواده‌های در معرض آسیب باشند. به همین خاطر احساس کردم اگر در فضای بهبود تصویر کلی‌مان از خانواده‌های تراز حرکت کنیم، برای آنها می‌توانیم الگو ارائه کنیم. این رویکرد اصلی ما بوده‌است.

نگاه ویترینی نداریم

مختاری تصریح می‌کند: مثل هر خانواده‌ای، شخصیت‌ها را بر اساس عناصر وارد کردیم و در عین حال تلاش کردیم روایتی صادقانه از زندگی و انسان بیان کنیم. به همین خاطر تلاش کردیم گزارش بی‌واسطه از افراد داشته‌باشیم. شخص‌ها مجموعه‌ای از قوت‌ها و ضعف‌ها در نقش‌های راهبردی مثل پدر و مادر هستند. یعنی این گونه نیست که نگاه ویترینی داشته‌باشیم و یک تصویر از مادر یا پدر ایده‌آل و بدون آسیب ارائه کنیم. در عین حال، در نتیجه‌گیری به سمتی می‌رویم که نتایج و ثمرات عملکرد نسل پدران و مادران را در پایان داستان می‌بینیم. نقش آقای پاک‌نیت به عنوان پدر مرکزی، نقشی راهبردی و راهنماست اما فارغ از چالش نیست و گاهی رفتارهایی می‌کند که خودش به آن انتقاد دارد. پذیرش خانم سرابندی هم برای این نقش، شجاعانه بود چون بیشترین تفاوت را با جهان نقش داشتند اما پذیرفتند و نقش‌شان جزو چالش‌برانگیزترین‌هاست. امیدوارم همه اینها نتایج مثبتی در دید مخاطب داشته‌باشد.

> **واقعیت این است که هیچ قصه‌ای عاری از نگاه پژوهشی نیست. حتی داستان‌هایی که مبتنی بر روایت‌های آشناست هم نیاز به همین پژوهش دارد**

نویسنده و کارگردان تب‌وتاب می‌گوید: من در مقطعی که می‌خواستم فیلمنامه را بنویسم یک سقفی را در برآورد مالی در نظر گرفتم و احساس می‌کردم با توجه به عام‌بودن قصه آن، نیاز به پژوهش خاصی ندارد. اما واقعیت این است که هیچ قصه‌ای عاری از نگاه پژوهشی نیست. حتی داستان‌هایی که مبتنی بر روایت‌های آشناست هم نیاز به همین پژوهش دارد. تب‌وتاب به صورت مشخص این هدف را دارد که وقتی مخاطب آن را می‌بیند احساس کند که روایتی از خودش را مشاهده می‌کند. تک‌تک افراد، کلاژی از فضاهای مختلف هستند، برای همین یکسان‌کردن آن برای رسیدن به روابط مشخص، آن را نیازمند به یک نگاه پژوهشی می‌کند.

به تلویزیون ایمان دارم

وی تاکید می‌کند: من به تاثیر رسانه تلویزیون ایمان دارم. حتی معتقدم در موقعیت‌های چالش‌برانگیز نفوذپذیری و تاثیرگذاری دارد و باید قدر آن را بدانیم. ما بسیار نیاز داریم که رابطه تلویزیون را به دلیل اثربخشی با مخاطب در همه حال بهبود ببخشیم. در همین زمینه برخی گونه‌ها در کارهای نمایشی، استراتژیک محسوب می‌شوند؛ مثل گونه ملودرام. یعنی کشورهای صاحب رسانه یکی از راهبردی‌ترین محصولات‌شان که گاهی چند ده سال عمر می‌کند، بر اساس الگوی ملودرام طراحی شده‌است. به نظرم یک ملودرام اجتماعی مبتنی بر روابط انسان شهری-ایرانی که بناست آینه خانواده‌ها باشد، گونه راهبردی در رسانه است. رسانه هیچ وقت نمی‌تواند خود را عاری از گونه‌های تعریف‌شده و جاافتاده بداند. به همین دلیل دلیل رفتن من به سمت یک ملودرام جدی، این بود که جای خالی یک ملودرام اصیل را بعد از سال‌ها احساس می‌کردم. تلاش کردم با تب‌وتاب دوباره به سمت این سریال‌ها برویم.

تب‌وتاب، قصه‌ای شاعرانه و زنانه دارد

شبکه دو در طول سال‌های گذشته تلاش کرده مجموعه‌هایی باورپذیر را روی آنتن ببرد. بهرنگ ملک‌محمدی، مدیر گروه فیلم و سریال شبکه دو در همین زمینه معتقد است که تلاش شده در تب‌وتاب به زندگی واقعی زن ایرانی به شکل ویژه‌ای پرداخته شود. وی در خصوص سریال تب‌وتاب به «جام‌جم» می‌گوید: اولین نکته‌ای که باید بگویم این است که متنی شاعرانه دارد و نگاهی به زندگی روزمره. یعنی خود فیلمنامه لحن مشخصی دارد. نکته دوم این است که تا جای ممکن تلاش کردیم در گروه بازیگران از بچه‌های توانمند تئاتر استفاده کنیم. چون من معتقدم بازیگر تئاتر همیشه در تلویزیون خوب ظاهر شده و بازی‌اش دیده می‌شود. نمونه این صحبت، پروژه بچه‌زرنگ است که قسمت عمده بازیگران آنها -علاوه بر خانواده شهدا- بازیگران تئاتر مشهد بودند و خیلی خوب ظاهر شدند. تلاش کردیم این رسم را در تب‌وتاب هم ادامه دهیم. من همیشه به تهیه‌کنندگان می‌گویم که از بازیگران تئاتر استفاده کنند. ما مثال‌های خوبی در این زمینه داریم که نشان از موفقیت بازیگر تئاتر در تلویزیون دارد. مثل بانیپال شومون در نوار زرد ۲، بهزاد خلج در آقای قاضی و بهنام شرفی در بچه‌مهندس ۴ که بازی همگی ماندگار شد. تلاش کردیم این رسم را در شبکه دو هم ادامه دهیم.

وی ادامه می‌دهد: وقتی ما به یک خانواده ایرانی می‌گوییم این گونه زندگی نکن و زیست تو باید ایرانی-اسلامی باشد، باید یک مدل را هم به او نشان دهیم. تب‌وتاب مجموعه‌ای از خرده‌پیرنگ‌هایی است که گاهی یک خانواده را به تعالی رسانده یا خانواده را از هم جدا می‌کند. مسائلی که در صورت بی‌توجهی مشکل‌ساز است. این قصه به خوبی سبک زندگی معاصر ایرانی را به مخاطب نشان می‌دهد.

ملک‌محمدی تصریح می‌کند: یک نکته مهم دیگر، زن ایرانی مومن شاغل فعال است که به خوبی در این سریال نشان داده شده‌است. بازیگرانی که نقش پزشک یا فعال در جامعه را بازی می‌کنند. در واقع در قصه‌ای که تا حدودی زنانه است، نشان دادیم این زنان فعال هستند و قرار نیست کنج خانه باشند. نکته دیگری که می‌خواهم در مورد تب‌وتاب بگویم این است که این سریال در اوج کرونا ساخته شد. با این حال، با همراهی کارگردان و تهیه‌کننده آن را جلو بردیم و به کسی آسیبی نرسید.

مدیر گروه فیلم و سریال شبکه دو در خصوص صحبت‌های اخیر رئیس رسانه‌ملی درباره تبیین جایگاه زن و پرداختن به آن در مجموعه‌های نمایشی، تصریح می‌کند که سریال تب‌وتاب کاملا در همین راستاست. او می‌گوید: همیشه سازمان یا نهادهای فرهنگی این‌طور متهم می‌شوند که قصد دارند زن ایرانی را در خانه نگه دارند. در حالی که اصلا این‌طور نیست. تب‌وتاب تلاش کرده این را به خوبی نشان دهد. وقتی رهبر معظم انقلاب از مدال‌آوری زنان صحبت و آن را با ارزش توصیف می‌کنند، نشان از آن دارد که زن فعال چه جایگاهی دارد. ما هم در قالب شخصیت‌های پزشک یا زنان فعال دیگر، تلاش کردیم همین صحبت رئیس سازمان را تحقق ببخشیم. در واقع قهرمانان این سریال زنان هستند.

ملک‌محمدی تصریح می‌کند: نکته مهم دیگر درباره این سریال، توانمندی کارگردان و تهیه‌کننده است. آقای مختاری در قامت نویسنده و کارگردان سریال تب و تاب، تجربه نویسندگی کارهای ماندگاری مثل اغما را داشتند و آقای شفیعی هم کارهای خوبی در کارنامه دارند. به نظرم مجموعه این موارد، در کنار حضور افراد سالم و توانمند باعث شده کار و قصه جذاب باشد و به نظرم برای مخاطب هم جذابیت خواهد داشت.

کیوآرکد را اسکن کنید

کیوآرکد را اسکن کنید

کیوآرکد را اسکن کنید

دیدگاه

درام خانوادگی؛ گونه‌ای محبوب

نوشین مجلسی
گروه رسانه

درام‌های خانوادگی همیشه جزو ژانرهای محبوب در سراسر جهان است که هم نزد سازندگان آثار اقبال دارد و هم مخاطبان زیادی آنها را می‌پسندند. در سینما و تلویزیون آثاری که بر این اساس پی‌ریزی شده‌اند فروش خوبی دارند یا بیشتر دیده می‌شوند. در تلویزیون خودمان هم معمولا چنین آثاری بیشتر ساخته می‌شود و بینندگان هم با آن همراهی می‌کنند. اگر نگاهی به تاریخچه پخش سریال‌های داخلی در تلویزیون بیندازیم خواهیم دید نام‌های بسیاری از میان درام‌های خانوادگی در اذهان باقی مانده و چه در زمان پخش و چه در بازپخش‌ها با استقبال خوبی مواجه شده‌اند. از زمانی که پاییز صحرا برای مخاطبان دهه ۶۰ تلویزیون ماجرای تنش‌های خانوادگی را به تصویر کشید تا در اوایل دهه ۷۰ که قصه‌ای از اختلاف سلیقه دو برادر روایت شد. پس از آن در دهه ۸۰ هم درام‌های خانوادگی بسیاری روی آنتن رفتند که برخی از آنها همچنان در بازپخش‌ها تماشاگر دارد. سریال‌هایی نظیر پس از باران، خط قرمز، مسافری از هند و... که دهه طلایی را برای سریال‌سازی در تلویزیون رقم زدند. در دهه ۹۰ و پس از آن تا امروز هم درام‌های خانوادگی از محبوبیت زیادی برخوردارند و در جلب نگاه مخاطبان موفق عمل کرده‌اند. در واقع با وجود گونه‌های متعدد و جذاب دیگر، همچنین زیرگونه‌هایی که همگی در جلب نظر مخاطبان موفق عمل می‌کنند و در ایجاد لحظه‌های کمدی یا هیجان‌انگیز می‌توانند از پس جذب مخاطبان در سنین مختلف برآیند، اما معمولا درام‌های خانوادگی که در قاب تلویزیون تصویر می‌شوند که سریال‌هایی غالبا مناسب برای همه اعضای خانواده هستند و ضمن قصه‌گویی و ایجاد فضای سرگرم‌کننده با گره‌اندازی‌های به موقع و از جنس دغدغه‌های معمول زندگی مخاطبان آنها را برای پیگیری سریال ترغیب می‌کنند. همچنین با نگاهی نقادانه و تازه که نسبت به مسائل اجتماعی و خانوادگی مطرح می‌کنند، دریچه‌ای تازه را رو به مخاطبان خود می‌گشایند.

سیما

زنان موفق

آنچه در مجموعه تب و تاب به‌وضوح دیده می‌شود، توجه به جایگاه زن موفق ایرانی است؛ درست مثل نقشی که فهیمه مومنی در نقش فریده دارد. مومنی درباره ویژگی‌های نقش خود به جام‌جم می‌گوید: فکر می‌کنم بازی در سریال افرا در دیده‌شدنم خیلی مؤثر بود. از طرفی سه ماه بعد از آن سریال وارد این پروژه شدم. من پیش از آن سریال خیلی کار تصویری انجام داده بودم اما افرا باعث شد مخاطب مرا بشناسد. در این سریال هم نقش فریده را بازی می‌کنم که با پسرخاله‌اش ازدواج فامیلی داشته و درگیر برخی مسائل می‌شود و مشکلی هم دارد که بهتر است خودتان با تماشای سریال غافلگیر شوید. یکی از ویژگی‌های فریده این است که خیلی دوست دارد به دیگران کمک کند و یک سازمان مردم‌نهاد هم برای کمک به بچه‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست دارد. چند بعدی بودن این شخصیت برایم خیلی جذاب است. خیلی خوشحالم که با آقای مختاری در این سریال آشنا شدم، چون بسیار انسان باسواد، صبور، مهربان و حرفه‌ای است.

نقش

به دنبال آرامش

عطا عمرانی که پیش از این با بازی در سریال شاهرگ بیشتر از قبل در چشم مخاطبان نشست، در سریال تب‌وتاب هم نقش‌آفرینی می‌کند. او در خصوص نقش خود در این سریال به جام‌جم می‌گوید: همیشه دنبال اتفاقات جدید هستم. ضمن این‌که نقشی را که بازی می‌کنم حتما باید دوست داشته باشم. به همین دلیل هم کم کار می‌کنم. من در این دوره دغدغه خانواده دارم و دنبال آرامش هستم که در این کار وجود دارد. فکر می‌کنم مردم هم سریال را دوست داشته باشند. یکی از دلایل حضورم در این سریال شخصیت خود کارگردان و قلم خوبی است که دارد. به هر حال کم و کاستی‌ها همیشه هست و ممکن است در این کار هم وجود داشته باشد. با این حال از حضورم در این سریال راضی هستم.

عمرانی تاکنون در سریال‌هایی مثل شیدایی، شاهرگ، روزگار، ماه و پلنگ و همچنین کیمیا نقش‌آفرینی کرده است. برخی از فیلم‌های تلویزیونی او هم چشم سوم، نیمه شب، فرود هشتم و دلسپرده است. او در سریال تب و تاب نقش متفاوتی را بازی کرده است.

عمرانی در این مجموعه نقشی شبیه به سریال شاهرگ را دارد که با همان حالت محجوب و آرام تلاش می‌کند یک کاراکتر متفاوت را بازی کند. او در این سریال در کنار افرادی مثل محمود پاک نیت ایفای نقش می‌کند.

سکانس

تصویر یک خانواده واقعی

سریال «تب و تاب» بازیگران و قصه متفاوتی دارد. از این جهت باید آن را سریالی دانست که در امتداد ملودرام‌های قدیمی می‌تواند مخاطبان خاص خود را داشته باشد. جمعی از بازیگرانی که سابقه طولانی بازیگری دارند در کنار قصه متفاوت آن باعث شده تا یک روایت دست‌اول پیش چشم مخاطب باشد. قصه خانواده‌ای که در عین الگو بودن با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و تلاش می‌کنند آن را به گونه‌ای حل کنند. خانواده حاج‌اقبال از این جهت یک خانواده معیار است که می‌تواند واقعیت‌هایی از زندگی جامعه ایرانی را به نمایش بگذارد.

کیوآرکد را اسکن کنید